



عنوان:

**تأثیر الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ بر
سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی**

استاد راهنما:

دکتر حسین دهشیار

استاد مشاور:

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی

نگارش:

رویا فتحی خانقاه

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته مطالعات منطقه ای (گرایش اروپا)

زمستان ۱۳۸۹

چکیده

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته «اروپای مرکزی و شرقی» به دلیل ترس از احیاء امپریالیسم شوروی سابق و به منظور تأمین امنیت خود، عضویت در ساختارهای غربی (اتحادیه اروپا و ناتو) را در سرلوحه اهداف سیاست خارجی و امنیتی خود قرار دادند. این مرحله از گسترش اتحادیه اروپا به لحاظ وسعت، قلمرو، جمعیت، تعداد کشورها و پیشینه تاریخی و فرهنگی و وضعیت اقتصادی و سیاسی آنها بزرگترین و بیسابقهترین مرحله گسترش اتحادیه محسوب میشود و تأثیراتی را بر سیاست خارجی و امنیتی مشترک و به تبع آن سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی داشته است.

این پژوهش، تأثیر الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی را با استفاده از نظریه نوکارکردگرایی مورد بررسی قرار داده است. نتیجهگیری حاصل از این پژوهش نشان میدهد که الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا باعث کندتر شدن روند همگرایی سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی شده است. چند عامل در این امر دخیل هستند که عبارتند از: گرایش فراآتلانتیک کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و اولویت دادن به ناتو در برابر ESDP، تأکید بر حاکمیت و منافع ملی و تأکید بر اصل بینالدولی CFSP/ESDP، کمبود امکانات نظامی-دفاعی و ضعف بودجه دفاعی و مشارکت محدود و ضعیف در عملیات ESDP، اختلاف نظر با سایر کشورهای اتحادیه اروپا در خصوص تهدیدات امنیتی.

واژگان کلیدی: کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی، اتحادیه

اروپا، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

Abstract

After the dissolution of the Soviet Union, the Central and Eastern European countries set membership in western structures (NATO and EU) as the most important priorities of their foreign policy because they considered Russia as a serious threat for their security. This Phase of enlargement is considered as the biggest stage of the enlargement because of the numbers of countries, their population and their cultural and political backgrounds. This enlargement has had some influences on the European Security and Defence Policy (ESDP) and the Common Foreign and Security Policy (CFSP).

This research has examined the impact of the accession of the central and Eastern countries to the EU in 2004 on the European Security and Defence Policy, using of neofunctionalism theory.

The results of this thesis show that the accession of the Central and Eastern countries to the EU has made the integration process of the European Security and Defence Policy slower than before. This occurred due to some factors: Central and Eastern European countries' transatlanticism, giving priority to NATO against ESDP, their emphasis on sovereignty and national interests and intergovernmentalism of the ESDP/CFSP, inadequate military-defence facilities, weakness of defence budget, limited and weak partnership in ESDP operations, diversity of opinions about threat perceptions.

Key Words: Central and Eastern European Countries, European Security and Defence Policy, European Union, North Atlantic Treaty Organization (NATO)

فصل اول: کلیات پژوهش

۱ - مقدمه (بیان مسأله)	۲
۲ - سؤال پژوهش	۵
۳ - فرضیه پژوهش	۵
۴ - مفاهیم پژوهش	۵
۵ - اهمیت و علل انتخاب پژوهش	۶
۶ - پیشینه پژوهش	۷
۷ - اهداف پژوهش	۱۲
۸ - نقطه ثقل پژوهش	۱۳
۹ - روش پژوهش	۱۳
۱۰- شیوههای گردآوری پژوهش	۱۴
۱۱- مشکلات و تنگناهای احتمالی پژوهش	۱۴
۱۲- سازماندهی پژوهش	۱۴
پینوشتها	۱۵

فصل دوم: چارچوب نظری

۱ - مقدمه	۱۹
۲ - نظریه کارکردگرایی	۱۹
۳ - نظریه نوکارکردگرایی	۲۱
۳-۱- ارنست هاس و نوکارکردگرایی	۲۱
۳-۱-۱ «تسری یا پیشروی افقی- عمودی» و فرایند همگرایی	۲۵
۳-۲- جوزف نای و نوکارکردگرایی	۲۷
پینوشتها	۳۲

فصل سوم: روند الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴

۳۴	۱ - مقدمه.....
۳۵	۲ - گسترش اتحادیه اروپایی
۳۷	۲-۱- مراحل گسترش اتحادیه اروپایی.....
۴۱	۳- روند الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴.....
۵۴	۴- کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و گسترش اتحادیه اروپا.....
۵۴	۴-۱- چالشهای گسترش اتحادیه اروپا.....
۵۵	۴-۲- انگیزههای کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از پیوستن به اتحادیه اروپا.....
۵۷	۴-۳- انگیزههای اتحادیه اروپا از گسترش به شرق.....
۵۸	۵- تدوین قانون اساسی اروپا به دنبال گسترش اتحادیه گسترش اروپایی.....
۵۹	۵- ۱- اصلاحات نهادی اتحادیه اروپا.....
۶۲	۵-۲- بهبود شیوههای تصمیمگیری.....
۶۳	۵-۳- گسترش اتحادیه اروپا.....
۶۴	پینوشتها.....

فصل چهارم: سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (ESDP)

۶۹	۱ - مقدمه.....
۷۱	۲- روند تاریخی شکلگیری سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (۱۹۴۵-۱۹۹۹).....
۹۱	۳- ترتیبات دفاعی - امنیتی اتحادیه اروپا پس از شکلگیری ESDP.....
۹۸	۴- ساختار سازمانی ESDP.....
۱۰۳	۵- عملیاتیهای ESDP از زمان تأسیس خود تاکنون.....
۱۱۱	۶- منابع و قابلیتهای ESDP.....
۱۱۱	۶-۱- منابع لجستیکی و تکنولوژیکی نظامی.....
۱۱۳	۶-۲- بودجه دفاعی ESDP.....
۱۱۵	پینوشتها.....

فصل پنجم: الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ و تأثیر آن بر سیاست

دفاعی و امنیتی اروپایی

۱ - مقدمه.....	۱۲۶
۲ - آتلانتیک‌گرایی سنتی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی.....	۱۲۸
۳ - رویکرد کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نسبت به ESDP قبل از عضویت در اتحادیه اروپا.....	۱۳۰
۳-۱- مخالفت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی با اتحادیه اروپا در بحران عراق.....	۱۳۲
۳-۲- مخالفت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی با ماده «دفاع متقابل» در پیشنهاد قانون اساسی اروپا.....	۱۳۵
۴- رویکرد کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در قبال ESDP پس از عضویت در اتحادیه اروپا.....	۱۳۷
۴-۱- کشورهای بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) و لهستان.....	۱۴۳
۴-۲- جمهوری چک، مجارستان، اسلواکی و اسلوانی.....	۱۴۵
۴-۳- اختلاف نظر با کشورهای اتحادیه اروپا در مورد تهدیدات امنیتی و تمرکز جغرافیایی ESDP.....	۱۴۷
۵- بررسی مشارکت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در عملیاتهای ESDP.....	۱۴۹
۵-۱- جایگاه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در اتحادیه اروپا.....	۱۴۹
۵-۱-۱- بودجه دفاعی ناکافی.....	۱۵۱
۵-۱-۲- ضعف امکانات نظامی - دفاعی.....	۱۵۴
۵-۲- مشارکت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در عملیاتهای ESDP.....	۱۵۵
۵-۲-۱- مقایسه مشارکت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در عملیاتهای ESDP و ناتو.....	۱۵۹
پینوشتها.....	۱۶۰
فصل ششم: نتیجه‌گیری.....	۱۶۴
فهرست منابع.....	۱۷۱

فصل اوّل

کلیات پژوهش

۱- مقدمه

وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم، باعث کاهش قدرت اقتصادی و سیاسی کشورهای قدرتمند اروپا شد و اروپاییان را بر آن داشت تا در جهت تحقق وحدت سیاسی اروپا و ایجاد اروپایی متحد و همگرا گام بردارند. مهمترین اقدام آنها وحدت در حوزه اقتصادی بود تا بتوانند آن را به حوزه سیاسی تسری دهند زیرا وحدت در حوزه سیاسی هدف اصلی کشورهای اروپایی بود.

علیرغم تلاشهای کشورهای اروپایی برای ایجاد وحدت سیاسی و نظامی در اروپا، تا اوائل دهه ۱۹۹۰ اتحادیه اروپا از نظر اقتصادی یک غول و از نظر سیاسی یک کوتوله باقی ماند. به عبارت دیگر اتحادیه اروپا تأثیری بس مهم بر مسائل اقتصادی و بهویژه تجاری جهان داشت اما حضور آن در عرصه مسائل سیاسی و بهویژه مسائل دفاعی و امنیتی جهان بسیار کم‌رنگ بود. اما از اوائل دهه ۱۹۹۰ ورق برگشت. پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ماهیت مناسبات قدرت در عرصه بین‌المللی را دگرگون کرد. به تدریج از اهمیت توان هسته‌های و نظامی در عرصه سیاست جهانی کاسته و بر اهمیت توان اقتصادی و موقعیت جغرافیایی (بهویژه در رابطه با منطقه به سرعت در حال تغییر اروپای مرکزی و شرقی و منطقه بحران زده خاورمیانه) افزوده شد.^(۱)

از سوی دیگر ناتوانی اروپا در مواجهه با بحران بالکان در دهه ۱۹۹۰ و حل نهایه این بحران توسط ناتو (به رهبری آمریکا) که مسؤولیت دفاع از اروپا را دوران جنگ سرد برعهده داشت کشورهای اروپایی را در جهت تدوین «سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی»^۱ مصمّمتر کرد. آنها به این نتیجه رسیدند تا زمانیکه اتحادیه اروپا فاقد یک توان عملیاتی نظامی باشد آمریکا نقش رهبری را در مدیریت منازعات اروپایی در دست خواهد داشت.

^۱ . Common Foreign and Security Policy (CFSP)

تلاش کشورهای اروپایی در جهت ایجاد یک ساختار نظامی- دفاعی اروپایی سرانجام به نتیجه رسید و در اجلاس سنمالو^۱ دو کشور فرانسه و انگلیس در سال ۱۹۹۸، درباره ایجاد یک «سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی»^۲ به توافق رسیدند. ساختار نهادین ESDP در ژوئن سال ۱۹۹۹ و در جریان اجلاس کلن^۳ طراحی شد و پس از اصلاحاتی در دسامبر ۱۹۹۹ در جریان اجلاس هلسینکی به تصویب رسید.^(۴) در اجلاس کلن، بیانیهای درباره «سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی» صادر شد با این مضمون که «اتحادیه اروپا باید قابلیت اقدام مستقل را داشته باشد و این ظرفیت باید توسط نیروی نظامی معتبر، اراده استفاده از این نیرو و آمادگی برخورد با بحرانهای بینالمللی مورد پشتیبانی قرار گیرد».^(۴) از آن پس تحقق و اجرای سیاست دفاعی و امنیتی مستقل اروپایی و تبدیل اتحادیه اروپا به یک بازیگر نظامی مستقل با جدیت بیشتری دنبال شد.

از طرفی، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته «اروپای مرکزی و شرقی»^۴ به دلیل ترس از احیاء امپریالیسم شوروی سابق و به منظور تأمین امنیت خود، عضویت در ساختارهای غربی (اتحادیه اروپا و ناتو) را در سرلوحه اهداف سیاست خارجی و امنیتی خود قرار دادند. این کشورها بلافاصله تمایل خود را برای پیوستن به اتحادیه اروپا اعلام کردند. کشورهای عضو اتحادیه نیز برای تحقق هرچه سریعتر وحدت و همگرایی سیاسی اروپا و برقراری امنیت در قاره اروپا تلاشهای خود را در جهت الحاق این کشورها به اتحادیه آغاز کردند. این مرحله از گسترش اتحادیه اروپا به لحاظ وسعت، قلمرو، جمعیت، تعداد کشورها و پیشینه تاریخی و فرهنگی و وضعیت اقتصادی و سیاسی آنها بزرگترین و بیسابقهترین مرحله گسترش اتحادیه محسوب میشود و تأثیراتی را بر سیاست خارجی و امنیتی مشترک و به تبع آن سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی داشته است. کشورهای لهستان، مجارستان، لتونی، لیتوانی، استونی، جمهوری چک، اسلواکی، اسلوانی (کشورهای اروپای

^۱ . Saint-Malo Summit

^۲ . European Security and Defence Policy (ESDP)

^۳ . Cologne Summit

^۴ . Central and Eastern European Countries (CEECs)

مرکزی و شرقی) به علاوه مالت و قبرس (کشورهای مدیترانه‌ای) پس از برآورده کردن معیارهای مدنظر اتحادیه در اول ماه مه سال ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا ملحق شدند.^(۴)

تجارب تاریخی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و برداشت آنها از تهدیدات امنیتی، همواره نقش مهمی را در تنظیم سیاستهای خارجی و امنیتی این کشورها ایفا میکند. ایجاد ESDP در سال ۱۹۹۹ به دلیل گرایش شدید این کشورها به ناتو برای تضمین امنیت خود، با استقبال چندانی از سوی این کشورها مواجه نشد و آنها تا قبل از الحاق به اتحادیه نگرش بدبینانه‌ای نسبت به ESDP داشتند. موضعگیری این کشورها در بحران عراق در سال ۲۰۰۳ و حمایت قاطع این کشورها از ناتو و تأکید این کشورها در کنوانسیون پیشنهادی قانون اساسی اروپا بر اصل بینالدولی CFSP/ESDP، مخالفت این کشورها با شکلگیری یک سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپایی را نشان داد. در بحران عراق به گفته رامسفلد، وزیر دفاع پیشین آمریکا، «اروپای قدیم» در برابر اروپای «جدید» قرار گرفت و دودستگی میان کشورهای اتحادیه، باعث ایجاد شکاف در سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی اروپایی شد.^(۵) اما انتظار میرفت عضویت این کشورها در اتحادیه اروپا تغییراتی را در نگرش آنها نسبت به سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی به وجود آورد. بنابراین بررسی رویکرد این کشورها و تأثیرگذاری این کشورها بر ESDP از اهمیت بسیاری برخوردار است. لذا در این پژوهش تلاش شده است تأثیر الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (ESDP) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲- سؤال پژوهش

الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، چه تأثیری بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (ESDP) داشته است؟

۳- فرضیه پژوهش

الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، باعث کندتر شدن روند همگرایی سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی شده است.

۴- مفاهیم پژوهش

الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی: هشت کشور لهستان، مجارستان، جمهوری چک، اسلواکی، اسلوونی، استونی، لیتوانی، لتونی که قبل از فروپاشی شوروی عضو بلوک شرق بودند پس از برآورده کردن معیارهای مدنظر اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ به اتحادیه ملحق شدند.^(۶)

اتحادیه اروپا: نهادی فراملی است که پس از فروپاشی شوروی به منظور تقویت همکاریهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی و با هدف وحدت اروپا به وجود آمد. این مفهوم در پیمان ماستریخت جایگزین جامعه اروپایی شد. تعداد کشورهای عضو اتحادیه با پذیرش ۱۰ عضو از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در سال ۲۰۰۴ به ۲۵ عضو و با عضویت رومانی و بلغارستان در سال ۲۰۰۷ به ۲۷ عضو رسید. اعضاء اتحادیه اروپا عبارتند از: آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، پرتغال، یونان، اتریش، ایرلند، دانمارک، سوئد، فنلاند، مجارستان، لهستان، جمهوری چک، اسلواکی، لیتوانی، لتونی، اسلوونی، استونی، قبرس، مالت، بلغارستان و رومانی. سه کشور ترکیه، کرواسی و جمهوری مقدونیه نیز در لیست انتظار پیوستن به این اتحادیه هستند.

سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی : سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (ESDP) به عنوان بخش

جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی و امنیتی مشترک شناخته می‌شود که در شورای اروپایی کلن در سال ۱۹۹۹ شکل گرفت. سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی حاکی از این است که «اتحادیه باید قابلیت اقدام مستقل را داشته باشد و این ظرفیت باید توسط نیروی نظامی معتبر، اراده استفاده از این نیرو و آمادگی برخورد با بحرانهای بین‌المللی مورد پشتیبانی قرار گیرد». هدف از ایجاد ESDP شکلگیری یک ساختار نظامی مستقل از ناتو بود. ESDP در سال ۲۰۰۳ عملیاتی شد و عملیات متعددی را به رهبری اتحادیه اروپا انجام داد. ESDP از سال ۱۹۹۹ تاکنون پیشرفتهای زیادی داشته و عملیاتیهای نظامی و غیرنظامی متعددی را هر چند در مقیاس کوچک انجام داده است.^(۷)

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۱: این سازمان در سال ۱۹۴۹، جهت تأمین و تضمین امنیت اروپا در برابر تهدیدات ابرقدرت کمونیسم (شوروی سابق) تشکیل گردید.^(۸) اعضای فعلی ناتو عبارتند از: اسپانیا، ایتالیا، ایسلند، آلمان، آمریکا، بلژیک، فرانسه، انگلستان، پرتغال، ترکیه، دانمارک، کانادا، نروژ، هلند، یونان، لوکزامبورگ، لهستان، جمهوری چک، مجارستان، استونی، اسلواکی، اسلوانی، لتونی، لیتوانی، رومانی و بلغارستان.

۵- اهمیت و علل انتخاب موضوع

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی از یک سو و افزایش توانمندی اقتصادی اتحادیه اروپا از سوی دیگر باعث مطرح شدن اتحادیه به عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی در حوزه اقتصاد و سیاست در قرن بیست و یکم شده است. بنابراین شناخت موقعیت و جایگاه کنونی اتحادیه در عرصه جهانی از اهمیت بسیاری برخوردار است. الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا بر سیستم

^۱ . North Atlantic Treaty Organization (NATO)

سیاسی-امنیتی اروپایی و مناسبات بینالمللی تأثیرگذار بوده است. موضوع تأثیر الحاق این کشورها به اتحادیه اروپا بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی، موضوعی جدید است و تاکنون مورد بررسی جدی قرار نگرفته است. بنابراین نتایج حاصل از این پژوهش در شناخت جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بینالملل مؤثر بوده و به سیاستگذاران کشورمان در تنظیم سیاستهای آتی در قبال اتحادیه کمک خواهد کرد. همچنین با توجه به موضوعیت داشتن گسترش اروپا به شرق و تبعات آن در مقطع کنونی، پرکردن خلأ تحقیقاتی آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

۶- پیشینه پژوهش

به علت جدید بودن موضوع، پژوهش قابل ملاحظه‌های در این خصوص انجام نشده است. فقط تعداد محدودی کتاب و مقاله در مورد این موضوع منتشر شده است. بیشتر این آثار قبل از الحاق رسمی این کشورها به اتحادیه اروپا نگارش شده و بیشتر چگونگی و ماهیت و فرایند گسترش اتحادیه و چشم اندازهای آینده آن و ماهیت سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (ESDP) را مورد بررسی قرار میدهند. اما هیچکدام از این آثار به بررسی تأثیر نهایی این الحاق بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپا نپرداخته‌اند.

۶-۱- منابع فارسی

خالوزاده (۱۳۸۳) در کتاب خود تحت عنوان «اتحادیه اروپایی»^(۹)، روند تاریخی شکل‌گیری اتحادیه اروپایی، گسترش اتحادیه به شرق و سیاستهای دفاعی و امنیتی در اتحادیه اروپایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. از دید نویسنده، یکی از مسائل عمده‌های که اتحادیه اروپا با آن دست به گریبان است فقدان سیاست دفاعی و امنیتی روشن و فعال است که عمدتاً از منافع ملی متفاوت کشورهای بزرگ عضو اتحادیه ناشی میشود. از دید او گسترش اتحادیه اروپا نتایجی بر سیاست خارجی و امنیتی مشترک خواهد داشت و ساختارهای جدید آن باید در نظر گرفته شوند. اروپا باید مصالح خود خود و نیز

تهدیدات جهان امروز را تعریف کند. این در حالی است که هنوز اختلاف آراء بین کشورهای عضو به وضوح دیده میشود. سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی کارآمد، حاصل یک اراده واحد اعضای اتحادیه اروپا خواهد بود و تنها به ساختار پروسه تصمیمگیری بستگی ندارد.

اصطباری (۱۳۸۳) در مقاله خود تحت عنوان «سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال گسترش اتحادیه اروپا به شرق»^(۱۰) گسترش اتحادیه به شرق، انگیزه‌های اتحادیه را از روند گسترش خود به سوی شرق و سیاست خارجی آمریکا در قبال گسترش اتحادیه را مورد بررسی قرار میدهد. به اعتقاد او گسترش اتحادیه به شرق بدون شک روند تصمیمگیری در اتحادیه اروپا را پیچیدهتر خواهد کرد و مسلماً از اقتدار اتحادیه خواهد کاست. آمریکا در جهت تقویت ناتو به عنوان مهمترین سازمان حافظ صلح و امنیت در اروپا تلاش میکند و تا جایی حاضر به پذیرش و قبول قدرت اتحادیه اروپا است که این اتحادیه به عنوان یک نیروی کمکی در جهت منافع آمریکا در جهان عمل کند.

عسگری (۱۳۸۴) در پایاننامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «گسترش اتحادیه اروپایی و تأثیر آن بر نظام بینالملل»^(۱۱) روند الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه در سال ۲۰۰۴ را مورد بررسی قرار میدهد. او معتقد است این مرحله از گسترش به دلیل تعداد و تنوع کشورهای متقاضی عضویت، مشکلات ساختاری، سازمانی و همچنین مشکلاتی را در رویه‌های تصمیمگیری در درون اتحادیه اروپا موجب خواهد شد. این مرحله از گسترش چالشهایی را بر سر راه سیاست خارجی و امنیتی مشترک و سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی ایجاد خواهد کرد.

نیوجنت (۱۳۸۴) در کتاب خود تحت عنوان «سیاست و حکومت در اروپا»^(۱۲)، روند شکل‌گیری اتحادیه اروپا، روند تکامل سیاستهای خارجی، امنیتی و دفاعی اروپا گسترش اتحادیه اروپا و چشم اندازهای آینده اتحادیه را بررسی می‌کند. او معتقد است با گسترش ابعاد اتحادیه اروپا، وزنه این اتحادیه در مناسبات خارجی و سیاستگذاریهای بینالمللی سنگینتر میشود. اما این فقط یک روی سکه است روی دیگر سکه افزایش ناهمگنی در میان اعضا و دشواری اتخاذ موضع واحد بر اساس هویت

و منافع مشترک میباشد. به علاوه برخی از متقاضیان عضویت در اتحادیه، منافع و جهت‌گیریهای خاص خویش را در عرصه سیاست خارجی دنبال میکنند که ممکن است دشواریهای فراوانی را برای اتحادیه به وجود آورد. از دید او چشمانداز پیشرفت اتحادیه اروپا هم از نظر ظرفیت نظامی و هم به لحاظ استفاده بالقوه از این ظرفیت، بسیار محدود است. به نظر نمیرسد در آینده نزدیک موانع و محدودیتهایی که بر سر راه این امر قرار دارد مرتفع شود.

پیلتن (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «توافقنامهها و نظام امنیتی مشترک اروپا»^(۱۳) معتقد است روند وحدت و استقلال دفاعی-امنیتی اروپا و تلاشهای دیرپای اروپاییان در راستای ایجاد نظام امنیتی مشترک به ویژه در چارچوب اجلاسها و موافقتنامههای مختلف، به رغم آنکه پیشرفتهای مهمی نظیر فراهم نمودن زمینهای حقوقی و سیاسی و ایجاد توافق میات اعضا و کاهش مخالفت‌های آمریکا داشت، اما تاکنون نتوانسته است به نتایج عملی مهمی در زمینه حصول به توانایی کامل و مستقل و قدرتمند نظامی، مدیریت و حل بحرانهای داخلی و بینالمللی و سرانجام خروج از وابستگی به آمریکا دست پیدا کند.

رحمانی (۱۳۸۵) در مقاله خود تحت عنوان «اتحادیه اروپا و مدیریت بحرانهای بینالمللی»^(۱۴) شکلگیری سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی، توسعه ظرفیتهای عملیاتی اتحادیه اروپا و نقش نهادهای اتحادیه اروپا در مدیریت بحرانهای بینالمللی را مورد بررسی قرار میدهد. او معتقد است به اجرا گذاشتن سیاست دفاعی و امنیتی اروپا، نتایج مثبتی برای اتحادیه در پی داشته است. توسعه ظرفیتهای و ساختارهای تصمیمگیری، اجرای این عملیاتها را امکانپذیر کرده است. با این حال، سیاست دفاعی و امنیتی اروپا هنوز با موانع و مشکلاتی روبه‌رو است. کمبود منابع مالی، تنوع و تعدد نیروهای انسانی نظامی و ظرفیتهای متفاوت اعضای اتحادیه، موانعی هستند که بر سر راه اتحادیه اروپا در مدیریت بحرانهای بینالمللی قرار دارند. از طرفی اختلاف نظر بین اعضای اتحادیه اروپا در بحران عراق کاملاً

نشان داد که رسیدن به اجماع نظر در اجرای سیاست امنیتی و دفاعی اروپا همچنان وجود دارد. الحاق ده کشور جدید در سال ۲۰۰۴ بدون شک اتخاذ تصمیم واحد را در درون اتحادیه مشکلتر خواهد کرد.

۲-۶- منابع انگلیسی

کتاب «آینده اروپا: همگرایی و گسترش»^(۱۵)، که توسط کامرون^۱ (۲۰۰۴) ویرایش شده است شامل مجموعه مقالاتی در خصوص گسترش و تعمیق اتحادیه، روند گسترش اتحادیه، گسترش مرحله پنجم، اقتصاد سیاسی گسترش، امنیت اروپایی و روابط فرآتلانتیک را مورد بررسی قرار میدهد. در این کتاب چنین آمده است که گسترش اتحادیه اروپا از ۱۵ عضو به ۲۵ عضو روند تصمیمگیری در اتحادیه را دشوارتر و با چالشهای جدیدتر مواجه خواهد ساخت. وضعیت امنیتی اروپا در حال تحول دائمی خواهد بود و نقش ناتو را تغییر خواهد داد. این گسترش ممکن است مانعی بر سر راه جاهطلبیهای اتحادیه اروپا در ایجاد یک سیاست دفاعی و امنیتی مشترک اروپایی باشد.

اگسارتیر^۲ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیرات امنیتی گسترش اتحادیه اروپا»^(۱۶)، با ارسال پرسشنامه به کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و سپس مقایسه پاسخها با اسناد رسمی اتحادیه اروپا، میزان مشارکت این کشورها را در عملیات ESDP به رهبری اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار داده است. این کشورها انگیزه خود را از شرکت در عملیات ESDP، حفظ ثبات بالکان و مناطق مجاور خود، حفظ امنیت اروپا و امنیت خود مطرح کردهاند. آنها هنوز اعتقاد زیادی به ناتو برای تأمین امنیت خود و امنیت اروپا دارند و این کشورها به دلیل پیشینه تاریخی خود همواره نگران سلطه مجدد روسیه و احیای محور برلین- مسکو هستند و به همین دلیل در جنگ عراق در مقابل اتحاد فرانسه- آلمان- روسیه، از آمریکا جانبداری کردند. آنها همواره نگران روابط روسیه و اتحادیه اروپا هستند.

¹ . Cameron

² . Exartier

مولیس^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «نقش و منافع کشورهای کوچک در پیشرفت ESDP»^(۱۷) کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که در سال ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا ملحق شدند را جزء کشورهای کوچک اتحادیه تقسیمبندی میکند. این کشورها دیدگاهی اروپا-آتلانتیک نسبت به ESDP دارند. آنها در مقایسه با کشورهای بزرگ اتحادیه منابع و قابلیت‌های نظامی و غیرنظامی محدودی دارند. از دید این کشورها ESDP یک ابزار اضافی برای تأمین امنیت در اروپا محسوب میشود. مشارکت این کشورها در عملیات ESDP فرصتی برای تأثیرگذاری آنها بر تصمیمات اتخاذ شده در اتحادیه ایجاد میکند.

واگنر^۲ (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان «قدرت واقعی CFSP و ESDP: رویکرد نظری و عملی»^(۱۸) روند تاریخی شکلگیری CFSP و ESDP را مورد بررسی قرار میدهد. او نتیجهگیری می‌کند که قدرت واقعی ESDP به دلیل اختلاف میان اروپاگرایان و آتلانتیکگرایان، فراملیگرایان و طرفداران رویکرد بیندولتی، محدود بوده است. علیرغم اهمیت روزافزون CFSP و ESDP در طی سالهای گذشته، اتحادیه اروپا هنوز تا رسیدن به سیاست دفاعی و امنیتی منسجم و واحد اروپایی راه درازی در پیش دارد.

مولیس (۲۰۰۷) در پژوهشی دیگر با عنوان «دیدگاه کشورهای بالتیک نسبت به ESDP و ناتو»^(۱۹) رویکرد سه کشور لتونی، لیتوانی و استونی و همچنین لهستان را نسبت به ESDP و ناتو مورد بررسی قرار میدهد. این مقاله معمای امنیتی جدید سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی را مطرح میکند که کشورهای بالتیک و سایر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی با آن مواجه هستند: تعهد به ناتو یا تعهد به اتحادیه اروپا؟ در این پژوهش، تهدید احتمالی روسیه مهمترین اولویت سیاست امنیتی این کشورها محسوب میشود و ناتو به عنوان کارآمدترین ابزار تضمین امنیت سخت در برابر این تهدید تلقی میشود.

1. Molis

2. Wagner

مؤسسه مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا (۲۰۰۹) کتابی تحت عنوان «سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی: ده سال اول (۱۹۹۹-۲۰۰۹)»^(۲۰) منتشر کرده است. در این کتاب شرایط لازم برای وحدت و انسجام ESDP عبارت است از: اتفاقنظر اعضا اتحادیه در مورد اهداف و ابزار ESDP و انسجام عمل اعضا، مشارکت مؤثر اعضا، تخصیص منابع بیشتر، تلاش منسجم برای به کارگیری تجارب ده سال اول فعالیت ESDP و افزایش انسجام سیاسی اتحادیه و اصلاحات سازمانی. اخیراً ESDP پیشرفتهای نسبی در خصوص تجدید روابط فرانسه با ناتو و حمایت زمامداران آمریکا از ESDP و افزایش همکاری اتحادیه و ناتو در مدیریت بحرانها داشته است. اما مسأله اساسی استقلال و خودمختاری اتحادیه به عنوان یک بازیگر امنیتی بینالمللی در بعد نظامی و غیرنظامی مدیریت بحرانها است که در بطن بیانیه سنمالو قرار دارد که بایستی مورد توجه خاص اعضا قرار گیرد.

۷-اهداف پژوهش

۱. اهداف علمی: از بعد علمی، موضوع این پژوهش جدید بوده و به استثنای چاپ مقالاتی بسیار اندک در مورد سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی، تحقیقات علمی در حد کتب و رساله در کشور ارائه نشده است. هدف از این پژوهش، پاسخ دادن به این سؤال است که آیا الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا باعث ایجاد یک سیاست دفاعی و امنیتی مستقل و واحد اروپایی شده یا بالعکس آن را تضعیف کرده است. بنابراین بررسی تأثیر الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی به ادبیات علمی کشور کمک خواهد کرد.
۲. اهداف کاربردی: این پژوهش با توجه به اهمیت روزافزون اتحادیه اروپا در معادلات جهانی و اهمیت روابط آن با جمهوری اسلامی ایران به جامعه علمی و دانشگاهی کشور در شناخت

بیشتر اتحادیه کمک کرده و در روند تصمیم‌گیری مراجع و تنظیم سیاستهای کشور در ارتباط با اتحادیه اروپا مؤثر خواهد بود.

۸- نقطه ثقل پژوهش

این پژوهش:

۱. از نظر موضوعی: مسأله الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ و تأثیر آن بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی
 ۲. از نظر مکانی: گسترش قلمرو اتحادیه اروپا به سمت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی
 ۳. از نظر زمانی: از سال ۲۰۰۴ تاکنون را دربرمیگیرد.
- اما برای مقایسه مرحله پنجم گسترش اتحادیه با مراحل قبلی و همچنین لزوم بررسی چگونگی شکلگیری سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی و اقدامات دفاعی اروپا، دوران پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۲۰۰۴ نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۹- روش پژوهش

در این پژوهش از روش تاریخی، تحلیلی استفاده شده است.

تاریخی است: چون از دادهها و رویدادهای تاریخی بهره‌گرفته است و روند تاریخی الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه و فرایند تکامل سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی را مورد بررسی قرار میدهد.

تحلیلی است: چون با توجه به سوابق تاریخی و واقعیات عینی و دادههای عینی و دادههای موجود به تجزیه و تحلیل میپردازد و رابطه علی بین الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی را توضیح میدهد.

۱۰- شیوه های گردآوری پژوهش

در این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیک و مقالات انگلیسی و فارسی، اسناد، بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و اظهارات مقامات اروپایی استفاده شده است.

۱۱- مشکلات و تنگناهای احتمالی پژوهش

از مشکلات عمده این پژوهش، کمبود منابع فارسی و انگلیسی کاملاً مرتبط با موضوع از نقطه‌نظر زمانی است. بنابراین کمبود منابع به دلیل جدید بودن موضوع از مشکلات اصلی پژوهش است.

۱۲- سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر در شش فصل تنظیم شده است. در فصل اول به کلیات پژوهش شامل بیان مسأله، سؤال و فرضیه پژوهش و ... پرداخته شده است. در فصل دوم چارچوب نظری مرتبط با موضوع پژوهش مطرح شده است. فصل سوم روند الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ را مورد بررسی قرار میدهد. در فصل چهارم سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی (ESDP) و در فصل پنجم الحاق کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ و تأثیر آن بر سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در فصل ششم نتیجه‌گیری از فصول فوق به عمل آمده است.